

طراحی مدلی برای تعیین سهم عوامل مؤثر بر بازگشت حاشیه‌نشینان به روستا؛ مطالعه موردی: حاشیه‌نشینان شهر مشهد

رستم صابری‌فر*

تاریخ دریافت مقاله:

۱۴۰۱/۰۶/۲۴

تاریخ پذیرش مقاله:

۱۴۰۲/۰۴/۱۶

چکیده

مهاجرت گسترده روستائیان به شهرها، آثار اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی فراوانی را باعث شده است. این در حالی است که تمرکز جمعیت در بخش خاصی از سرزمین، مخالف سیاست‌های آمایش سرزمین است. به همین دلیل، اگر این گروه مجدداً به روستاهای خود بازگردند، بخش زیادی از این مشکلات مرتفع خواهد شد. اما برای تحقق این هدف، ضرورت دارد که زمینه‌ها و عوامل تسهیل‌کننده این روند، شناسایی گردد. به همین منظور، پژوهش حاضر با روش توصیفی و همبستگی برای تعیین مدلی برای تعیین سهم هر یک از عوامل فردی، اجتماعی و اقتصادی در فراوانی وقوع از دیدگاه مهاجران و اولویت‌بندی این عوامل از دیدگاه کارشناسان، به انجام رسید. داده‌های موردنیاز با پرسش‌نامه مورد تأیید و از نمونه‌ای به حجم ۳۰۰ نفر از مهاجران شهر مشهد و ۳۰ نفر از کارشناسان این حوزه گردآوری شد. برای سنجش پرسش‌نامه از آلفای کرونباخ و برای کفایت حجم نمونه از شاخص KMO، برای شناسایی ساختار عاملی و بررسی بارهای عاملی از آزمون EFA و برای تعیین روابط بین متغیرها از مدل شاخص‌های چندگانه و علل چندگانه استفاده شد. برای ارزیابی مدل نیز از محاسبه شاخص‌های برازش مانند RMSEA، CFI، TLI و Chi-square بهره‌بردار شد. نتایج نشان داد، در بین متغیرهای پیشگویی‌کننده، تنها متغیر پیوند با نهادهای اجتماعی، می‌تواند دیدگاه مهاجران را متأثر سازد. به همین دلیل، این متغیر در کل با متغیرهای پنهان ارتباط معنی‌داری داشت که این ارتباط بیشتر با دو متغیر پنهان (مهاجر اصلی) و (تسهیل‌کننده‌ها) بود. با این وجود، هر چهار شاخص برازش، کمتر از مقدار مطلوب بودند و به این ترتیب برازش مدل تأیید نشد، اما مشخص شد که بازگشت عمدتاً به روستاهای غیر زادگاه اولیه بوده و ابعاد خانوادگی به خصوص زیرمعیار «مشاهده رفتار هم‌نوعان» بالاترین تأثیر بر بازگشت حاشیه‌نشینان به روستا را به خود اختصاص می‌دهد. این یافته عمدتاً با نظریات وبلن، گیدنز و سیستمی همخوانی دارد. مطابق این نتایج، می‌توان با نشان دادن تعداد، تنوع و شرایط کنونی افرادی که دست به مهاجرت زده‌اند، تعداد بیشتری از حاشیه‌نشینان را متقاعد نمود تا به روستا بازگردند.

کلمات کلیدی: حاشیه‌نشین، مهاجرت معکوس، طراحی مدل، مشاهده رفتار هم‌نوعان، شهر مشهد.

* دانشیار، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. r_saberifar@pnu.ac.ir

مقدمه

در حال حاضر، مهاجرت‌های گسترده روستا - شهری و شکل‌گیری حاشیه‌نشینی، به یکی از ابرچالش‌های اساسی شهرنشینی در جهان و به‌خصوص در کشورهای جهان سوم تبدیل شده و تمام مسئولین سعی دارند، این معضل اساسی را رفع و رجوع نمایند (Xu & Takahashi, 2021). یکی از راهکارهای بسیار متداول مطرح‌شده در این ارتباط، ارائه تسهیلات به روستائیان است تا آنان ترغیب شوند به زادگاه خود بازگردند. در حقیقت، مهاجرت معکوس یا مهاجرت بازگشتی از شهر به روستا، پدیده مطلوبی است که به‌خاطر پیامدهای مطلوب اجتماعی - اقتصادی و مکانی - فضایی آن، در دهه اخیر اهمیت زیادی برای برنامه‌ریزان یافته است (پایدار، ۱۳۹۸: ۱۹). به همین دلیل، تلاش‌های فراوانی در این حوزه در حال انجام است. اما برخلاف خوش‌بینی‌های مطرح‌شده در این ارتباط، این سیاست‌ها راه به جایی نبرده است و اغلب آمارهایی که در این زمینه ارائه می‌شود، به معنای واقعی، مهاجرت معکوس قلمداد نمی‌شود (میرفلاح نصیری و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۰). در دوره‌های اخیر نیز بحث گرانی مسکن و فشارهای اقتصادی به‌عنوان عامل اصلی مهاجرت معکوس مطرح شده است (آذر و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۹) که با واقعیت‌های تجربی هماهنگ نیست. به‌طوری‌که روند ازدیاد جمعیت این مناطق نه تنها کاهش نیافته، بلکه در مواردی رو به ازدیاد گذاشته است. به‌خصوص این روند برای کلان‌شهری چون مشهد که سرعت رشد مناطق حاشیه‌ای آن چند برابر شده است (عرفانی، ۱۳۹۹: ۱۲۶)، نگرانی‌های زیادی را ایجاد کرده است. به همین دلیل، دستگاه‌های فراوانی چون مجلس شورای اسلامی، وزارت راه و شهرسازی، شهرداری‌ها و حتی نهادهای غیر مرتبط‌تری چون سپاه و آستان قدس

رضوی به این حوزه ورود پیدا نموده‌اند (شهرداری مشهد، ۱۳۹۹). چراکه هم‌اکنون بیش از یک‌سوم جمعیت شهر مشهد را مهاجران روستایی تشکیل می‌دهند که عمدتاً در مناطق حاشیه‌نشین و بافت‌های فرسوده ساکن هستند (صابری‌فر، ۱۴۰۱: ۱۰۱). با این وجود، مطالعات موردی صورت‌گرفته در این ارتباط، نشانگر آن است که اقدامات صورت‌گرفته وافی به مقصود نبوده و روند رو به رشد جمعیت حاشیه‌نشین کماکان ادامه دارد و تعداد مهاجرین بازگشتی به روستاهای اولیه اندک و بعضاً صفر است (آذر و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۹).

شرایط مورد اشاره نشانگر آن است که مطالعات صورت‌گرفته تاکنون اثربخش نبوده و یا حداقل مشکل را به‌طور جامع و کامل تحلیل نکرده است که به راهکاری مؤثر و جدی منتهی گردد. به همین دلیل، مدیران و مسئولین شهر به دنبال آن هستند تا هر چه سریع‌تر این مشکل را رفع کرده و یا حداقل به حدی تقلیل دهند که پاسخ‌گوی مقامات ملی، محلی و شهروندان باشند. اما از آنجاکه این مشکل ابعاد و زوایای پنهان و پیدای فراوانی دارد، در این بررسی تلاش شد تا مدلی طراحی و معرفی گردد که تمام و یا حداقل بخش زیادی از عوامل اثرگذار بر مهاجرت حاشیه‌نشینان به زادگاه اصلی‌شان را تبیین نموده و بتواند میزان چنین مهاجرت‌هایی را پیش‌بینی نماید. به معنای دقیق‌تر، هدف از این مطالعه، ارائه مدلی برای تعیین سهم هر یک از عوامل فردی، خانوادگی، اجتماعی و اقتصادی مؤثر در بازگشت حاشیه‌نشینان از دیدگاه خود آنان و اولویت‌بندی این عوامل از دیدگاه کارشناسان این حوزه بود.

ادبیات موضوع

در ارتباط با مهاجرت به‌طور کلی (بیش از ۲۰۰ مورد)

حالت آن، حرکت جمعیت از شهرها به نواحی روستایی است (میرفلاح نصیری، دل عظیمی و صباغی، ۱۳۹۵: ۱۵). در کشورهای جهان سوم و از جمله ایران، مهاجرت معکوس اغلب ناخواسته و تحت فشار زندگی شهری صورت می‌گیرد (آذر و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۹). اما این نوع از مهاجرت، در کشورهای توسعه‌یافته هم با عوامل و دلایل مختلف قابل مشاهده است. به عنوان مثال، در برخی از کشورهای توسعه‌یافته، گروهی از مردم برای یافتن کار در محیط روستایی حتی با دستمزد کمتر از شهر، تردیدی به خود راه نمی‌دهند. زیرا آنان در جستجوی محیطی با فشارهای عصبی کمتر هستند و کار در روستا را به عنوان مرحله گذار به بازنشستگی تلقی می‌کنند (برناردشاریه، ۱۳۷۳: ۱۱۶). در حقیقت، مهاجرت بازگشتی، جریانی است که در آن فرد یا افرادی که بنا به دلایل مختلف، از سرزمینی که قبلاً به عنوان محل سکونت جدید خود انتخاب کرده‌اند، دوباره به مکان اولیه خود بازمی‌گردند (Okali et al., 2001: 55).

به دنبال تحولات حادث شده در شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه، اصول و شیوه‌های مهاجرت نیز تحول اساسی پیدا نموده است. به طوری که اکنون سه عنوان برون شهرنشینی^۱ (حومه‌نشینی)، شهرنشینی جابه‌جاشده^۲ و ضدشهرنشینی^۳ را نیز شاهد هستیم. هرکدام از این مفاهیم، در درجه اول برای علت و انگیزه خانوارهای مهاجر، شرایط متفاوتی را روایت می‌کنند (صابری‌فر، ۱۳۹۹). سه متغیر برای جریان ضدشهرنشینی در ادبیات مورد تأکید قرار گرفته است. اول، عامل «برگشت به سمت زمین‌ها» است که کمتر به آن توجه شده است و بیانگر جستجو برای یک سبک زندگی کاملاً جدید و خودکفا است. دوم، تغییر مکانی است که به منظور ارتقای کیفیت زندگی فرد از راه

و مهاجرت بازگشتی به‌طور خاص (قریب به ۱۰۰ نمونه)، مطالعات و بررسی‌های متعددی به انجام رسیده است (صابری‌فر، ۱۳۹۹). اما در ارتباط با مدل‌سازی علل و مؤلفه‌های اثرگذار در این نوع مهاجرت‌ها، تحقیقات چندانی صورت نگرفته است. اغلب نویسندگان به صورت موردی عمدتاً به مشکلات شهری (عرفانی، ۱۳۹۹؛ ۱۹۹۷؛ Todaro, 1976) و جاذبه‌های روستایی (آذر و همکاران، ۱۳۹۹؛ لهسایی‌زاده، ۱۳۶۸؛ برناردشاریه، ۱۳۷۳) اشاره نموده و به سایر علل کمتر توجه داشته‌اند. در این دو حوزه نیز بیشتر گروه و یا گروه‌های خاصی از مهاجران را مدنظر داشته و به همین دلیل، به حاشیه‌نشینان کمتر توجه شده است. اگرچه معرفی همه این بررسی‌ها بر غنای تحقیق می‌افزود، اما به جهت محدودیت فضا، از ارائه تمام این مطالعات در پیشینه تحقیق خودداری شده و تلاش گردید بنا به ضرورت، تحقیقات نسبتاً مرتبط در بخش‌های مختلف معرفی شود. در حقیقت، همه تحقیقات صورت‌گرفته در این بخش، به‌طور کامل مدنظر بوده و از یافته‌های آن‌ها بهره‌برداری شده و تنها برای نمونه از هر محقق فعال در این عرصه، فقط یک نمونه معرفی و در کار اصلی گنجانیده شده است.

از مهاجرت معکوس، تحت عنوان برگشت جمعیت، جریان ضدشهرنشینی یا مهاجرت برگشتی یاد می‌شود. این نوع مهاجرت، شامل کارشناسان و کارمندان دائم و افرادی می‌گردد که به علت مشکلات فراوان شهری، به روستا برمی‌گردند (قاسمی ارده‌الی، ۱۳۸۵: ۵۱). برخی دیگر، مهاجرت معکوس را حالتی از حالات شهرگرایی نواحی روستایی تعریف نموده‌اند. دلیل این امر آن است که شهرگرایی حومه‌ها و نواحی روستایی فرایندی اجتماعی است که شامل گسترش ایده‌ها و شیوه‌های زندگی شهری در نواحی روستایی بوده و مشخص‌ترین

دستیابی به سکونتگاه و شغل در یک اجتماع کوچک‌تر صورت می‌گیرد. سوم، مهاجرت بازنشستگی است که در جستجوی امنیت و مطبوعیت بیشتر هستند که شامل حرکت افراد از نواحی بزرگ‌تر به نواحی با تمرکز کمتر است (عرفانی، ۱۳۹۹: ۲۹). اما در نوع مهاجرت‌های معکوس مرتبط با روستائیان سابق که به امید ارتقای کیفیت زندگی به محیط‌های شهری روی آورده و بعدها به دلیل عدم تحقق این آرزو، مجدداً به روستاهای اولیه خود بازگشته و یا با تشویق و یا تهدید نظام‌های حاکم، دست به مهاجرت مجدد می‌زنند، اوضاع به کلی متفاوت است. وقتی ادبیات موضوع در این حوزه مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد، دیدگاه‌ها و نقطه نظرات متفاوتی مطرح می‌شود که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

نظریه شبکه‌ها: در این نظریه، نقش ارتباطات و حمل‌ونقل می‌تواند مهاجرت بالقوه را به مهاجرت بالفعل تبدیل کند. چون مهاجران اطلاعات لازم را از نقاط مختلف به دست می‌آورند و با توجه به گسترش حمل‌ونقل، هزینه‌های کمتری پرداخت می‌کنند. در قالب این نظریه، شبکه یکی از عواملی است که مهاجرت بالقوه را به بالفعل تبدیل می‌کند و موجب می‌شود که مردم درباره فرصت‌های خارج از منطقه خود، اطلاعاتی به دست آورده و بر آن اساس، تصمیم بگیرند (ابراهیم‌زاده آسمین و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۷۴).

سبک زندگی: به نظر وبلن، افراد کالاهای مصرف می‌کنند تا جایگاه اجتماعی خود را به نمایش گذاشته و خود را به طبقه خاصی نزدیک کرده و از طبقات فراتر و فروتر متمایز کنند. وی اصطلاح «طبقه مرفه» را در وصف افرادی به کار می‌برد که به لحاظ اقتصادی، عملکردی غیرمولد داشته و از این نظر، همچون افراد طبقه کاسب‌کار هستند. اعضای این طبقه، برای جلب توجه دیگران، به مصرف متظاهران (ازجمله خرید

خانه دوم) و فراغت متظاهران (استفاده غیرمولد از وقت) می‌پردازند (وبلن، ۱۳۸۳).

به نظر گیدنز، عملکردهای اجتماعی، روند بازتابی بودن آن، عقلانیت و خودآگاهی فرد و بازاندیشی آن، هویت فرد را همیشه در فرایند ساخت‌یابی قرار می‌دهد، به‌ویژه در عصر جدید که نهادهای امروزی هم دخالت دارند. به‌زعم وی، هر چیزی در زندگی اجتماعی، در یک کردار و راه و رسم اجتماعی به وجود می‌آید. ازاین‌رو، گیدنز معتقد است که هویت فرد در روند ساخت‌یابی و باتوجه به موقعیت‌ها، شرایط و اوضاع و احوال اجتماعی، اقتصادی و نیز آگاهی فرد شکل می‌گیرد (گیدنز، ۱۳۷۸، ۸۱). طبق نظر گیدنز، تحول سبک‌های زندگی و دگرگونی‌های ساختاری مدرنیته به واسطه بازتابندگی به یکدیگر گره می‌خورند. گیدنز (۱۳۸۲)، انسان را به‌عنوان عامل در شکل‌گیری هویت، مؤثر می‌داند و معتقد است که انسان تحت فشار ساختار اجتماعی، سبک زندگی را به جای اینکه به دست آورده و بسازد، بیشتر تقلید می‌کند.

خوش‌بینی و بدبینی نسبت به مهاجرت معکوس: در ارتباط با مهاجرت‌های معکوس و یا بازگشتی، دیدگاه‌های متفاوتی ارائه شده است. گروهی اساساً نظر مثبتی در ارتباط با این نوع مهاجرت ندارند. به‌عنوان نمونه، اوکلی، اوکپارا و اولوی^۴ (۲۰۰۱)، ازجمله افرادی هستند که به این موضوع با دیده منفی نگاه می‌کنند. از دید این افراد، این نوع مهاجرت نه‌تنها باعث از دست دادن فرصت‌های جنبی و اندک در شهر می‌شود، بلکه تأثیر مهم و قابل‌توجهی هم بر مناطق روستایی ندارد. دلیل این امر آن است که مهاجران مهارت، فنون یا پول چندانی به همراه خود به روستا نمی‌آورند. کوین هینو^۵ (۲۰۲۱) نیز از مخالفان مهاجرت معکوس بوده و اعلام نمود که افزایش قیمت املاک و

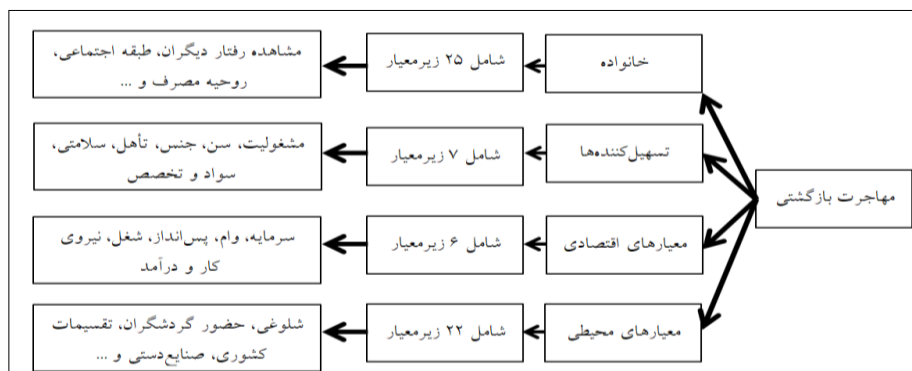
رشد صعودی را در پیش می گیرند. در این مرحله، روستاها در پی تحولات اقتصادی، انتظار امید به زندگی بیشتر و در مواردی جذب مهاجران بیشتر، ازدیاد رشد و عده جمعیت بیشتر را شاهد هستند. بعضی از روستاها، با ادامه روند جذب جمعیت و یا ادغام با روستاهای دیگر، همچنان این مرحله را ادامه می دهند تا سرانجام، بدون گذر از یک دوراهی حیات، دوران جدیدی از روند تکاملی خود را به صورت شهر آغاز کنند. نظریه چرخه حیات به یک طرح بهینه چرخه زندگی که بر اساس آن، چه بسا طرح مهاجرت معکوس بخشی از زنجیره چرخه حیات برای مکان مناسب اقامت باشد، اشاره می کند (Wang, 2004: 4).

نظریه کارکردگرایی: به دلیل آنکه در هر نظام بدون وجود پوشش های انسانی، تعادلی وجود نداشته و یا هماهنگی به شکل مطلوب برقرار نخواهد شد، مهاجرت عنصری الزامی برای برقراری تعادل مورد نیاز در اجتماع تلقی می شود. این وضعیت در جایی بیشتر ضرورت داشته و الزام آور تلقی می شود که مهاجرت از یک سو به سازوکار هماهنگی و تطبیق شخص با تحولات به وجود آمده تبدیل می شود و از سوی دیگر توازن از دست رفته را به اجتماع برمی گرداند (عرفانی، ۱۳۹۹: ۳۶). با توجه به شرح ارائه شده در فوق، می توان مدل مفهومی تحقیق را به صورت تصویر شماره ۱ ارائه کرد.

مسکن و رواج برخی ناهنجاری های «مربوط به شهر» در محیط های روستایی، از پیامدهای این نوع مهاجرت ها محسوب می شود. ونگ^۶ (۲۰۰۴) در شمار موافقان این نوع از مهاجرت است. وی عقیده دارد حتی سرمایه های اندک نیز می تواند تحولات شگرفی در مناطق روستایی ایجاد نماید. به طوری که ورود حتی گروه اندکی از مهاجران با سرمایه ناچیز، نقش غیرقابل انکاری در توسعه اقتصادی روستا برجای گذاشته است. دشینکر و سون گرایم^۷ (۲۰۰۵) عقیده دارند که مهاجران، عناصر اصلی توسعه روستایی (فناوری های جدید، شیوه های بهبود کشاورزی و...) را به همراه خود به روستا می آورند.

نظریه درآمد انتظاری: در مهاجرت، تصور مهاجر این است که در مقصد، بیش از مبدأ درآمد خواهد داشت. به همین دلیل، با تحولات مثبت روستایی، علاقه به مهاجرت افت پیدا می کند. چراکه در این حالت اختلاف اساسی بین میزان درآمد در شهر و روستا آن چنان نیست که روستایی علائق و دل بستگی های روستا را ترک نموده و عازم شهر شود (عرفانی، ۱۳۹۹: ۲۹).

نظریه چرخه حیات: این نظریه بین توسعه یافتگی و تغییر جمعیت رابطه ای معنادار برقرار ساخته است. چراکه روستاها پس از گذراندن مرحله پیدایش، مرحله



ت. ۱. مدل مفهومی تحقیق

روش تحقیق

این تحقیق با هدف شناسایی عوامل مؤثر بر بازگشت حاشیه‌نشینان انجام شده است. نوع پژوهش از نظر هدف کاربردی و به لحاظ ماهیت، توصیفی و تحلیلی و از جهت روش، میدانی و پیمایشی بود. داده‌های موردنیاز با پرسش‌نامه و از نمونه‌ای به حجم ۳۰۰ نفر (به روش نمونه‌گیری از جمعیت‌های پنهان) از مهاجران بازگشتی از شهر مشهد و ۳۰ نفر از کارشناسان حوزه جغرافیا، جامعه‌شناسی و شهرسازی (که به روش نمونه‌گیری در دسترس گزینش شده بودند)، گردآوری شد. معیارهای مورداستفاده در این بررسی، از طریق مصاحبه اکتشافی با متخصصانی که در این حوزه تألیفات و یا تجارب کاری داشتند، گردآوری شده و با استفاده از روش ANP، وزن‌دهی و اولویت‌بندی شد. درمجموع با استفاده از نقطه نظرات این کارشناسان و مطالعات کتابخانه‌ای، ۴ معیار اصلی و ۶۰ زیرمعیار به دست آمد. در مرحله بعدی، این معیارها در قالب گویه‌های قابل پرسش درآمد و در پرسش‌نامه تهیه‌شده گنجانیده شده و بر اساس نظر مهاجران تکمیل گردید. این معیارها، بر اساس نظر ۳۰ کارشناس، اولویت‌بندی و وزن‌دهی شدند.

برای سنجش روایی و پایایی پرسش‌نامه‌ها از دیدگاه صاحب‌نظران این حوزه و آلفای کرونباخ استفاده شد. برای اطمینان از کفایت حجم نمونه نیز از شاخص KMO، استفاده شد (جدول شماره ۶). برای شناسایی ساختار عاملی و بررسی بارهای عاملی از آزمون EFA و برای تعیین روابط بین متغیرها از مدل شاخص‌های چندگانه و علل چندگانه بهره گرفته شد. برای ارزیابی مدل نیز از محاسبه شاخص‌های برازش مانند RMSEA، CFI، TLI و Chi-square استفاده شد (جدول شماره ۱۵). طراحی مدل نیز با استفاده از نرم‌افزار STATA انجام شد (تصویر شماره ۲). این تحقیق در

میان مهاجرین بازگشتی از حاشیه‌های شهر مشهد به‌عنوان کلان‌شهری که بالغ بر ۳۰ درصد جمعیت آن در مناطق حاشیه‌ای زندگی می‌کنند به عمل آمده و تنها مهاجرین بازگشتی را شامل می‌شود که به روستاهای استان خراسان رضوی بازگشته‌اند.

طراحی مدل نیز با استفاده از نرم‌افزار STATA انجام شد (تصویر شماره ۲). این تحقیق در میان مهاجرین بازگشتی از حاشیه‌های شهر مشهد به‌عنوان کلان‌شهری که بالغ بر ۳۰ درصد جمعیت آن در مناطق حاشیه‌ای زندگی می‌کنند به عمل آمده و تنها مهاجرین بازگشتی را شامل می‌شود که به روستاهای استان خراسان رضوی بازگشته‌اند.

یافته‌ها

نتایج تعیین وزن عوامل مؤثر بر فراوانی مهاجرت‌های بازگشتی

نتایج روش ANP به‌صورت وزن نهایی معیارهای اصلی و زیرمعیارهای آن‌ها به ترتیب اولویت در جداول شماره ۱ تا ۴، ارائه شده است. بر اساس وزن به‌دست‌آمده برای هرکدام از عوامل، این موارد دسته‌بندی و اهمیت آن‌ها نسبت به هم سنجیده شد. همان‌طور که در جداول مورد اشاره مشخص است، نتایج شاخص ناسازگاری معیارهای اصلی نشان داد که مقادیر به‌دست‌آمده، زیر ۰/۱ و قابل‌پذیرش هستند. مطابق نتایج، عامل خانوادگی در اولویت اول و عوامل محیطی و مکانی در اولویت آخر قرار گرفتند (جدول شماره ۱ تا ۴). شاید یکی از دلایل اصلی این وضعیت، آن باشد که خانوارهای ایرانی اکنون تنها بر اساس تصمیمات پدر خانواده اداره نشده و فرزندان و همسران در تصمیم‌گیری‌ها سهم دارند. درواقع، هر تصمیمی برای مهاجرت و یا بازگشت به روستای اولیه، تا حد زیادی به خواست و نظر فرزندان وابسته است. به همین دلیل،

مسئولین و سیاست‌گذاران زمانی می‌توانند در ارتباط با که به جای تأکید بر یک و یا دو عضو خانواده بتوانند مهاجرت‌های بازگشتی موفقیت بیشتری به دست آورند تمام اعضا به‌خصوص جوانان را موردتوجه قرار دهند.

ج ۱. وزن نهایی معیارهای اصلی و زیر معیارهای خانوادگی

معیار اصلی	رتبه	زیرمعیارها (سازگاری، ۰/۰۴۹)	وزندهی	رتبه	زیرمعیارها (سازگاری، ۰/۰۴۹)	وزندهی
خانوادگی (وزندهی، ۶۱)	۱	مشاهده رفتار دیگران	۷	۱۴	پیوندهای سببی	۴/۲
	۲	طبقه اجتماعی	۶/۵	۱۵	تعاملات اجتماعی	۳/۷
	۳	روحیه مصرفی	۶/۱۰	۱۶	امتیازات دولتی	۳/۴
	۴	نگرش به آینده	۵/۶	۱۷	حسن تعلق	۳/۳
	۵	سلسله‌مراتب قدرت	۵/۵	۱۸	نهادهای اجتماعی	۳/۰
	۶	مالکیت	۵/۱	۱۹	حمایت‌های اجتماعی	۲/۵
	۷	دلایل اولیه مهاجرت	۵/۰۳	۲۰	تحولات شغلی	۲/۲
	۸	امنیت	۵/۰۱	۲۱	مسئولیت اجتماعی	۲/۰
	۹	بعد خانوار	۴/۹	۲۲	تغییر ساختار اجتماعی	۱/۸
	۱۰	باورهای دینی	۴/۸	۲۳	آگاهی اجتماعی	۱/۵
	۱۱	مسائل حقوقی	۴/۳۷	۲۴	آسیب‌های اجتماعی	۱/۴
	۱۲	پیوندهای قومی	۴/۳۶	۲۵	خلافت و نوآوری	۱/۳
	۱۳	نوع نگاه به زندگی	۴/۳			

ج ۲. وزن نهایی معیارهای اصلی و زیر معیارهای تسهیل‌کننده

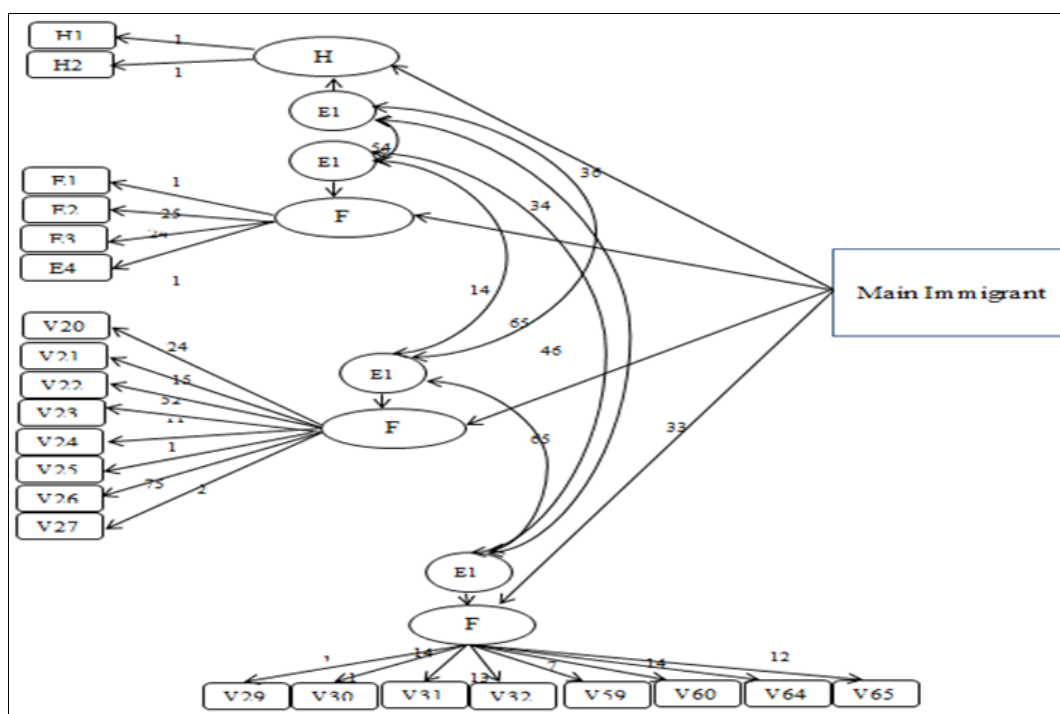
معیار اصلی	رتبه	زیرمعیارها (سازگاری، ۰/۰۵۷)	وزندهی	رتبه	زیرمعیارها (سازگاری، ۰/۰۵۷)	وزندهی
تسهیل‌کننده (وزندهی، ۱۴)	۱	مشغولیت	۱۸/۰	۵	سن	۱۴/۱
	۲	جنس	۱۷/۲	۶	تخصص	۱۳/۰
	۳	تأهل	۱۷/۰۱	۷	سواد	۳/۴
	۴	سلامتی	۱۴/۹			

ج ۳. وزن نهایی معیارهای اصلی و زیر معیارهای اقتصادی

معیار اصلی	رتبه	زیرمعیارها (سازگاری، ۰/۰۴۹)	وزندهی	رتبه	زیرمعیارها (سازگاری، ۰/۰۴۹)	وزندهی
اقتصادی (وزندهی، ۱۳)	۱	سرمایه	۲۶/۰	۴	شغل	۱۱/۰۱
	۲	وام	۲۳/۰	۵	نیروی کار	۱۰/۰
	۳	پس‌انداز	۱۹/۰	۶	درآمد	۸/۰

ج ۴. وزن نهایی معیارهای اصلی و زیر معیارهای محیطی - مکانی

معیار اصلی	رتبه	زیرمعیارها (سازگاری، ۰/۰۵۳)	وزندهی	رتبه	زیرمعیارها (سازگاری، ۰/۰۵۳)	وزندهی
محیطی - مکانی (وزندهی، ۱۲)	۱	شلوغی و ازدحام	۱۲/۰	۱۲	حضور گردشگران	۴/۱
	۲	تقسیمات سیاسی	۷/۴	۱۳	صنایع دستی	۳/۹۴
	۳	فناوری	۶/۹	۱۴	تهدیدهای شهری	۳/۹
	۴	زیرساخت‌ها	۵/۸	۱۵	شرایط بهداشتی	۳/۷
	۵	محیط‌گرایی	۵/۷	۱۶	محیط سالم	۳/۳
	۶	رفع تهدیدهای قبلی	۵/۲	۱۷	فرصت‌های شغلی	۲/۸
	۷	حمل‌ونقل	۵/۱	۱۸	بورس‌بازی	۲/۶
	۸	دورکاری	۴/۶	۱۹	رضایتمندی	۲/۲
	۹	وضعیت محله‌ای	۴/۵	۲۰	فاصله	۲/۱
	۱۰	تغییر کاربری	۴/۴	۲۱	تجربیات فردی	۲/۰
	۱۱	وضعیت مسکونی	۴/۳	۲۲	حومه‌گرایی	۱/۸



ت ۲. متغیرهای پیشگویی کننده مهاجرت بازگشتی

طبق این جدول، اغلب قریب به اتفاق پاسخ‌گویان سنی بیش از ۳۰ سال داشته‌اند. به لحاظ تحصیلات، پاسخ‌گویان، سواد خود را عمدتاً در سطح دیپلم و پایین‌تر اعلام نموده‌اند. به لحاظ بافت اجتماعی، مشارکت خانم‌ها در سطح اندکی (۱۷ درصد) بوده و عمدتاً مردان به سؤالات پاسخ می‌دادند.

نتایج الگوریتم و مدل‌سازی میان عوامل
در این بررسی، ۳۰۰ پرسش‌نامه در بین پاسخ‌گویان توزیع شد و داده‌های استخراج‌شده از آن‌ها بعد از اولویت‌بندی، کدگذاری و ورود به نرم‌افزار، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. مطابق این داده‌ها، ویژگی‌های پاسخ‌گویان به شرح جدول شماره ۵ است.

ج ۵. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی جمعیت مورد مطالعه

متغیرها	گروه‌ها	درصد	متغیرها	گروه‌ها	درصد
سن	کمتر از ۳۰	۱۰	مدت اقامت در شهر	زیر ۱۰ سال	۲۲
	۳۰ تا ۵۰	۳۵		۱۰ تا ۲۰	۴۱
	بالای ۵۰	۵۵		بالای ۲۰	۳۷
جنس	مرد	۸۳	تحصیلات	زیر دیپلم	۳۷
	زن	۱۷		دیپلم تا فوق‌دیپلم	۴۳
محل تولد	شهر	۹		کارشناسی و بالاتر	۲۰
	روستا	۸۱			

تحلیل شاخص KMO نشان داد که داده‌ها برای انجام محاسبات تحلیل عاملی اکتشافی کافی است؛ زیرا ضرایب محاسبه‌شده برای هر یک از شاخص‌ها بیش از

تحلیل عامل اکتشافی (EFA)
قبل از انجام تحلیل عاملی اکتشافی، وضعیت کفایت حجم نمونه بررسی شد. مطابق جدول شماره ۶، نتایج

۰/۷۰ بوده است. در این زمینه، گروه خانواده با کسب مقدار ویژه ۰/۸۹ در بالاترین سطح و سایر عوامل با به دست آوردن میزان ۰/۷۳ پایین ترین میزان را به خود اختصاص داده‌اند.

ج ۶. نتایج حاصل از شاخص KMO

گروه‌ها	مقدار KMO	گروه‌ها	مقدار KMO
خانواده	۰/۸۹	فرد مهاجر	۰/۸۲
محیطی - مکانی	۰/۸۵	سایر	۰/۷۳

مطابق با نتایج و بر اساس مقدار ویژه، آزمون سنگریزه، واریانس و اهمیت هر سؤال، متغیرها در هر گروه در یک یا چندین عامل دسته‌بندی شدند که نتایج در جدول شماره ۷، ارائه شده است. این دسته‌بندی

به راحتی امکان می‌دهد که تحلیل‌های بعدی با حجم کمتری از عوامل به انجام برسد. به طور مشخص مقیاس خانواده که بیش از ۲۲ زیرمعیار داشته است تنها در دو عامل خانواده و محیط خانوادگی، دسته‌بندی شده است.

ج ۷. دسته‌بندی عوامل در هر مقیاس

مقیاس	عامل	متغیرها	متغیرها
خانواده	عامل ۱: خانواده	شغل	وام
		درآمد	نیروی کار
		سرمایه	نگرش به آینده
		پس‌انداز	مدت اقامت در شهر
	عامل ۲: محیط خانوادگی	مشاهده رفتار دیگران	طبقه اجتماعی
		تعاملات اجتماعی	مالکیت
		بعد خانوار	روحیه مصرفی
		حس تعلق	جایگاه در سلسله‌مراتب قدرت
		پیوندهای قومی	محل تولد
		حمایت‌های اجتماعی	-
محیطی - مکانی	عامل ۱: مکان	وضعیت محله	فناوری‌های تکنولوژیک
		شلوغی و ازدحام	دورکاری
		تغییر کاربری	محیط‌گرایی
		رفع تهدیدهای قبلی	تهدیدهای شهری
	عامل ۲: اجتماعی - اقتصادی	حمل و نقل	مسئولیت اجتماعی
		حضور گردشگران	شرایط بهداشتی
		تخصص	رضایت‌مندی
		سلامتی	فرصت‌های شغلی
	عامل ۳: هزینه‌ها	فاصله	بورس‌بازی
		تجربیات فردی	حومه‌گرایی
فرد مهاجر	عامل ۴: روستا	زیرساخت‌ها	-
		محیط سالم	صنایع دستی
	عامل ۱: مهاجر اصلی	آگاهی اجتماعی	آسب‌های اجتماعی
		باورهای دینی	خلافت و نوآوری
		دلایل اولیه مهاجرت	پیوندهای سببی
		نهادهای اجتماعی	نوع نگاه به زندگی
سایر عامل	عامل ۱: تسهیل‌کننده‌ها	امتیازات دولتی	سن
		مسائل حقوقی	جنس
		امنیت	تاهل
		تحولات شغلی	مشغولیت

پرسش‌نامه در جدول شماره ۸ آمده است. بر اساس این نتایج، کلیه عوامل دارای پایایی همسانی درونی هستند.

تحلیل پایایی همسانی درونی با آلفای کرونباخ نتایج تحلیل پایایی همسانی درونی داده‌های

در این بخش کمترین ضریب با ۰/۶۴ مربوط به پرسش‌نامه روستا و بیشترین آن با ضریب ۰/۹۱ به پرسش‌نامه خانواده اختصاص داشته است.

ج ۸. نتایج تحلیل آلفای کرونباخ

ردیف	پرسش‌نامه	آلفای کرونباخ	ردیف	پرسش‌نامه	ضریب آلفای کرونباخ
۱	خانواده	۰/۹۱	۶	روستا	۰/۶۴
۲	اصلی	۰/۸۷	۷	مهاجر اصلی	۰/۸۲
۳	مکان	۰/۹۰	۸	تسهیل‌کننده‌ها	۰/۷۷
۴	اجتماعی - اقتصادی	۰/۷۴	۹	کل پرسش‌نامه	۰/۹۴
۵	هزینه‌ها	۰/۸۳			

نتایج بارگذاری دوران‌یافته عوامل
نتایج بارگذاری دوران‌یافته عوامل در جداول شماره ۹ تا ۱۲، آمده است. بر اساس نتایج بارگذاری عوامل، سؤالاتی که مقدار بار عاملی کمتر از ۰/۳ داشتند، از روند تحلیل حذف شدند. برخی از سؤالات در چندین عامل قرار گرفتند که مقدار همبستگی بالاتر و مربوط بودن سؤال به عامل، تعیین‌کننده عامل موردنظر برای سؤال بود.

ج ۹. نتایج بارگذاری دوران‌یافته عوامل در گروه خانواده

سؤالات	کد	عوامل	
		عامل ۱	عامل ۲
شغل	V2	۰/۷۴۰	-
درآمد	V3	۰/۷۰۸	۰/۳۱۶
سرمایه	V4	۰/۷۱۴	۰/۳۵۰
پس‌انداز	V5	۰/۸۷۲	-
وام	V6	۰/۸۹۵	-
نیروی کار	V7	۰/۸۰۵	-
نگرش به آینده	V8	۰/۵۹۳	-
مدت اقامت در شهر	V68	۰/۶۰۲	-
مشاهده رفتار دیگران	V9	۰/۶۶۸	۰/۴۰۱
تعاملات اجتماعی	V10	۰/۳۶۵	۰/۴۲۹
بعد خانوار	V11	۰/۶۰۳	۰/۴۵۵
حسن تعلق	V12	۰/۳۲۸	۰/۶۴۹
پیوندهای قومی	V13	۰/۳۸۰	۰/۶۷۳
حمایت‌های اجتماعی	V14	-	۰/۶۳۱
مالکیت	V15	۰/۳۸۰	۰/۶۷۰
طبقه اجتماعی	V16	۰/۶۱۸	۰/۴۴۲
روحیه مصرفی	V17	۰/۴۳۵	۰/۵۵۹
جایگاه در سلسله‌مراتب قدرت	V18	۰/۳۴۸	۰/۵۶۶
محل تولد	V66	-	۰/۴۰۶

ج ۱۰. نتایج بارگذاری دوران‌یافته عوامل در گروه محیط

سؤالات	کد	عوامل			
		عامل ۱	عامل ۲	عامل ۳	عامل ۴
وضعیت مسکونی	V35	۰/۳۳۰	۰/۶۹۷	-	-
وضعیت محله‌ای	V36	۰/۴۶۱	۰/۶۶۸	-	-
شلوغی و ازدحام	V43	۰/۳۶۳	۰/۳۹۱	۰/۴۹۴	-

-	-	-	۰/۷۰۶	V47	تغییر کاربری
-	-	-	۰/۷۵۱	V48	رفع تهدیدهای قبلی
-	-	-	۰/۷۴۴	V50	فناوری‌ها
-	-	-	۰/۷۷۳	V51	دورکاری
-	-	۰/۳۰۹	۰/۵۱۳	V52	محیط‌گرایی
-	-	-	۰/۵۵۲	V53	تهدیدهای شهری
۰/۴۵۱	-	-	۰/۴۳۷	V54	حمل و نقل
۰/۴۹۱	-	-	۰/۵۲۰	V56	حضور گردشگران
-	-	۰/۴۷۲	۰/۳۵۲	V62	تخصص
۰/۳۶۲	-	۰/۴۶۶	۰/۳۲۸	V63	سلامتی
-	-	۰/۶۳۸	-	V33	مسئولیت اجتماعی
-	-	۰/۶۰۲	۰/۳۱۲	V37	شرایط بهداشتی
-	۰/۳۱۱	۰/۵۰۶	-	V38	رضایتمندی
-	-	۰/۴۶۰	-	V39	فرصت‌های شغلی
-	۰/۹۶۲	-	-	V40	فاصله
-	۰/۷۵۸	-	-	V41	تجربیات فردی
-	۰/۶۵۳	۰/۳۰۳	-	V42	زیرساخت‌ها
-	۰/۷۱۰	-	-	V43	بورس‌بازی
-	۰/۶۳۴	-	-	V45	حومه‌گرایی
۰/۶۴۶	-	-	-	V55	محیط سالم
۰/۵۸۱	-	-	۰/۳۷۷	V57	صنایع‌دستی

ج ۱۱. نتایج بارگذاری دوران‌یافته عوامل در گروه مهاجر اصلی

سؤالات	کد	عامل	سؤالات	کد	عامل
آگاهی اجتماعی	V20	۰/۶۲۴	آسیب‌های اجتماعی	V24	۰/۷۲۳
باورهای دینی	V21	۰/۶۹۷	اخلاقیت و نوآوری	V25	۰/۶۳۰
دلایل اولیه مهاجرت	V22	۰/۷۴۱	پیوندهای سببی	V26	۰/۵۲۷
پیوند با نهادهای اجتماعی	V23	۰/۶۶۶	نوع نگاه به زندگی	V27	۰/۴۰۰

ج ۱۲. نتایج بارگذاری دوران‌یافته عوامل در گروه تسهیل‌کننده‌ها

سؤالات	کد	عامل	سؤالات	کد	عامل
استفاده از امتیازات دولتی	V29	۰/۵۳۲	سن	V59	۰/۴۳۹
مسائل حقوقی و قانونی	V30	۰/۶۹۱	جنس	V60	۰/۴۷۸
امنیت	V31	۰/۶۳۵	تأهل	V64	۰/۶۲۵
تحولات شغلی	V32	۰/۵۸۴	مشغولیت	V65	۰/۵۲۷

پیش‌بینی احتمال وقوع مهاجران بازگشتی بر اساس واریانس کلی

پیش‌بینی احتمال وقوع مهاجرت بازگشتی بر اساس واریانس کلی، در جدول شماره ۱۳ نشان داده شده است. این نتیجه، بدین معنا است که در گروه خانواده، مدل ۲ عاملی؛ در گروه محیط (شهر و روستا)، مدل ۴ عاملی؛ در گروه مهاجر اصلی، مدل تک عاملی و در

گروه تسهیل‌کننده‌ها، مدل تک عاملی به ترتیب تا ۰/۸۹۸۹، ۰/۸۹۳۲، ۰/۹۵۱۲ و ۰/۸۱۹۳ می‌توانند احتمال وقوع مهاجرت بازگشتی را پیش‌بینی کنند. بنابراین، در صورتی که بتوان این عوامل را به طریقی کنترل و مدیریت نمود، احتمال بازگشت مهاجران به زادگاه اولیه‌شان، تسهیل خواهد شد. همان‌طور که در بخش‌های قبلی بیان شد، در بین عوامل

مورد اشاره، زمینه‌های اجتماعی و خانوادگی، از جایگاه اساسی‌تری برخوردارند.
ج ۱۳. پیش‌بینی احتمال وقوع مهاجرت بازگشتی بر اساس واریانس کلی

گروه	عامل و نماد	واریانس	واریانس کلی	گروه	عامل و نماد	واریانس	واریانس کلی
خانواده	خانواده (H1)	۰/۷۷۲۱	۰/۷۷۲۱	محیطی - مکانی	مکان (E1)	۰/۶۲۳۳	۰/۶۲۳۳
مهاجر اصلی	عامل اصلی (H2)	۰/۱۲۷۱	۰/۸۹۹۰		اجتماعی (E2)	۰/۱۲۴۷	۰/۷۴۸۰
تسهیل کننده	مهاجر اصلی (M)	۰/۹۵۱۳	۰/۹۵۱۳		هزینه‌ها (E3)	۰/۰۷۶۰	۰/۸۲۳۹
	تسهیل کننده‌ها (F1)	۰/۸۱۹۴	۰/۸۱۹۴		روستا (E4)	۰/۰۹۶۵	۰/۸۹۳۳

مهم‌ترین عوامل از دیدگاه مهاجران

همان‌طور که در جدول شماره ۱۴ قابل مشاهده است، در بین عواملی که بر اساس روند اخیر دسته‌بندی شدند، عامل خانواده بیشترین و عامل مهاجر اصلی، کمترین نمره را از دیدگاه مهاجران کسب کرده‌اند. بنابراین، تبلیغات و رویکردهای مؤثر در ارتباط با تشویق و ترغیب مهاجران به بازگشت، باید از تأکید صرف بر رئیس خانوار، فاصله گیرد و همه اعضای خانواده، به‌خصوص فرزندان را که تاکنون مورد تأکید

قرار نداشته‌اند، هدف قرار دهد. زیرا باتوجه به نتایج این بررسی، تصمیم به مهاجرت به محل اقامت قبلی، تصمیمی است که به‌صورت جمعی و عمدتاً با نظر مثبت فرزندان اتخاذ می‌شود. به همین دلیل، اگر این گروه در برنامه‌ریزی‌ها غایب باشند، اصولاً بازگشتی حادث نخواهد شد. بااین وجود، چون بیشتر مهاجرین بازگشتی در روستاهای حاشیه شهر اقامت پیدا کرده‌اند، نمی‌توان اهمیت و جایگاه وجود زیرساخت‌های رفاهی و خدماتی در این مناطق را نادیده گرفت.

ج ۱۴. میانگین نمرات عوامل از دیدگاه مهاجران

ردیف	عامل	میانگین نمره	انحراف معیار	ردیف	عامل	میانگین نمره	انحراف معیار
۱	خانواده	۸/۰۴	۰/۱۵۱	۳	شهر - روستا	۷/۴۰	۰/۰۹۸
۲	تسهیل کننده	۷/۵۹	۰/۱۷۶	۴	مهاجر اصلی	۷/۱۴	۰/۱۴۶

طراحی مدل SEM رابطه‌ای و ارزیابی برازش آن

در این بخش باتوجه به روابط درون‌سازه‌ای میان متغیرها برای سنجش روابط میان متغیرها و تعیین روابط متغیرهای پیشگویی کننده که نگرش مهاجران در مورد تأثیر عوامل را با متغیرهای پنهان می‌سنجند، از مدل SEM MIMIC استفاده شد و در آن، تنها متغیر پیشگویی کننده‌ای که تعداد نمونه کافی و کیفیت مناسب را داشت، وارد مدل گردید. همان‌طور که در تصویر شماره ۲ مشاهده می‌شود، در بین متغیرهای پیشگویی کننده، تنها متغیر پیوند با نهادهای اجتماعی، می‌تواند دیدگاه مهاجران را متأثر سازد. به همین دلیل، این متغیر در کل با متغیرهای پنهان ارتباط معنی‌داری

داشت که این ارتباط بیشتر با دو متغیر پنهان (مهاجر اصلی) و (تسهیل کننده‌ها) بود. همچنین تمام متغیرهای مشاهده شده با متغیرهای پنهان مربوط به خود، ارتباط معناداری داشتند (مقدار بارهای عاملی نشان‌دهنده معناداری هر یک از ارتباطها بر روی تصویر شماره ۲ قابل مشاهده است).

باتوجه به نتایج مقادیر شاخص‌های ارائه شده برای این مدل و همان‌طور که در جدول شماره ۱۵ ملاحظه می‌شود، هر چهار شاخص برازش، کمتر از مقدار مطلوب بودند و به‌این ترتیب برازش مدل تأیید نشد. شاید یکی از دلایل این امر آن باشد که در این بررسی اولاً تعداد شرکت کنندگان اندک بود و در ثانی، صرفاً

همین دلیل پیشنهاد می‌شود در تحقیق بعدی، حجم نمونه افزون‌تر و حوزه جغرافیایی وسیع‌تری مدنظر قرار گیرد.

ج ۱۵. مقادیر برآوردشده برای هریک از شاخص‌های برازش

RMSEA: Root Mean Square Error of Approximation	CFI: Comparative fit index	TLI: Tucker-Lewis index	Chi-Square	آماره نیکویی برازش
۰/۰۴	۰/۷۱	۰/۷۵	۰/۱۲	مقدار برآورد

مهاجرت نموده بودند، اما بعد از جدا شدن فرزندان و تأمین اهداف مورد اشاره، دیگر انگیزه‌ای برای باقی ماندن در شهر نداشتند. علاوه بر آن، این گروه به دلایل متعدد حاضر نبودند به روستاهای اصلی بازگردند و چون مشکلات شهری به حد غیرقابل تحمل درآمده بود، ناچار به مهاجرت به نزدیک‌ترین روستا، به خصوص در پیرامون شهر شدند. در این گروه، صرف مشکلات شهری، عامل اصلی مهاجرت به حساب می‌آمد.

نتیجه

هدف از این مطالعه، ارائه مدلی برای تعیین عوامل مختلف مؤثر بر احتمال وقوع مهاجرت بازگشتی بود. بدین منظور، پرسش‌نامه‌ای متشکل از عوامل مؤثر بر احتمال وقوع مهاجرت بازگشتی تهیه و اعتبار سنجی شد. با وجود آنکه در ارتباط با مهاجرت‌های بازگشتی در ایران و جهان مطالعات زیادی به انجام رسیده است، اما تاکنون مطالعه مستقلاً نتوانسته است ابزاری را برای سنجش میزان تأثیر عوامل مختلف بر روی احتمال وقوع مهاجرت بازگشتی ارائه دهد. بررسی تحقیقات قبلی نشان می‌دهد که اغلب مطالعات صورت گرفته، به یک یا چند عامل خاص تأکید داشته و بر همین اساس نیز ارائه پیشنهاد نموده‌اند. اما با توجه به اینکه این مهاجرت‌ها کماکان ادامه داشته و مشکلات باقی است؛ ضرورت داشت تا مطالعه دقیق‌تری در این حوزه به انجام برسد. در این بررسی، تقریباً تمام عوامل و زمینه‌هایی که می‌توانست در مهاجرت‌های بازگشتی اثرگذار باشد، مورد توجه قرار گرفت. این عوامل در گروه‌ها و

مهاجران بازگشتی در این تحقیق مشارکت داشتند که در حوزه استان خراسان رضوی جابه‌جا شده بودند. به

الگوریتم و مدل‌سازی

روایی محتوایی پرسش‌نامه اولیه بر اساس نتایج کیفی نظرات اعضای پنل تأیید شد. بر این اساس، پرسش‌نامه نهایی پس از انجام اصلاحاتی توسط پنل متخصصین، شکل نهایی پیدا کرد. در بررسی پایایی، همسانی درونی تمامی گروه‌ها مورد تأیید قرار گرفت. بر اساس نتایج EFA، سؤالات در گروه خانواده در ۲ عامل، در گروه محیط شهری و روستایی در ۴ عامل، در گروه مهاجر اصلی و تسهیل‌کننده‌ها در یک عامل طبقه‌بندی شدند. اما در این بین با توجه به نتایج بارهای عاملی سؤالاتی مانند «تغییر ساختار اجتماعی»، «تقسیمات سیاسی» و «سواد» از مطالعه حذف شدند. اگرچه این زیرمعیارها از دیدگاه مهاجران امتیاز کافی را دریافت نکرده‌اند، اما می‌توان به این عوامل نیز به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار نگاه کرد. چراکه اجرای این مطالعه در محلی دیگر و با تعداد بیشتری از مهاجران می‌تواند نتایج بهتری به دست دهد.

همان‌طور که اشاره شد، مهم‌ترین عامل از دیدگاه مهاجران عامل خانواده بود که این امر نشانگر آن است که اصولاً قبل از هر اقدامی، شخص مهاجر به شرایط خانوادگی و به خصوص مسئله کیفیت زندگی در مناطق شهری و روستایی توجه دارد. مصاحبه‌های صورت گرفته با افرادی که بیشترین هزینه را برای مهاجرت‌های معکوس داده بودند، نشان می‌دهد که اغلب آن‌ها در ابتدا برای دسترسی فرزندان به امکانات آموزشی، فنی و حرفه‌ای و نیل به بازار کار و ...

دسته‌های مختلف بر اساس نظر مهاجران طبقه‌بندی شد و جایگاه هر یک از آن‌ها تعیین گردید.

مطابق با نتایج جدول شماره ۱، مؤلفه‌های خانوادگی، بالاترین رتبه را در میان معیارهای اصلی مؤثر بر احتمال وقوع مهاجرت بازگشتی به خود اختصاص داده است. البته، احتمال وقوع مهاجرت بازگشتی می‌تواند به شدت تحت تأثیر عوامل اجتماعی مانند امنیت، طبقه اجتماعی و ویژگی‌های مهاجر اصلی، روحیه مصرفی و غیره قرار گیرد. در میان عوامل اجتماعی، امنیت بالاترین اولویت را به خود اختصاص داده است. یافته‌ای که در سایر تحقیقات نیز به اثبات رسیده است (Dell'Anno, 2007). اما گفتگوهای اختصاصی در مورد علت نهایی مهاجرت نشانگر آن است که همیشه عامل امنیت اصلی‌ترین معیار محسوب نمی‌شده است. به عنوان مثال، وقتی در یک بحث صمیمانه از مهاجر اصلی سؤال می‌شد که چرا دست به مهاجرت مجدد زده است، وی صادقانه اعلام می‌کرد، به خاطر اینکه دوستان، آشنایان و حتی هم‌محله‌ای‌هایی را دیده است که به این اقدام مبادرت نموده‌اند. این نتایج با نظریات ویلن (۱۳۸۳) و گیدنز (۱۳۷۸ و ۱۳۸۲) همخوانی دارد.

دومین معیار اصلی مؤثر بر احتمال وقوع مهاجرت بازگشتی، تسهیل‌کننده‌ها بودند. تسهیل‌کننده‌ها، از جمله عواملی هستند که می‌توانند نقش غیرقابل‌باوری بر وقوع مهاجرت بازگشتی داشته باشند. به عنوان مثال، معمولاً زنان تمایلی به مهاجرت نداشته و در صورت مهاجرت، کمتر اقدام به بازگشت به محل اصلی می‌کنند. با این وجود، در این بررسی این عامل بالاترین رتبه را به خود اختصاص نداده و مشغولیت که در اینجا به معنای فعالیت‌های سرگرم‌کننده تعریف شده است، بالاترین نقش را بر عهده داشته است. دلیل این امر آن است که اغلب مهاجرین مردان و زنانی هستند که بعد از

بازنشستگی به زادگاه اصلی و یا سایر روستاها مهاجرت نموده و با خرید ملک، باغ و باغچه‌ای، خود را به فعالیتی غیر از فعالیت اصلی در شهر سرگرم می‌کنند. این یافته در کارهای ابراهیم‌زاده آسمین، اشتیری مهرجردی و اسلامی (۱۳۹۸)، نیز مورد تأکید قرار گرفته است. اولویت‌بندی عوامل و مؤلفه‌های اثرگذار بر مهاجرت‌های بازگشتی، نشانگر آن است که عوامل اقتصادی در سومین جایگاه قرار می‌گیرند. مطابق همین اولویت‌بندی، می‌توان دریافت که در بین زیرمعیارهای این مؤلفه، سرمایه در اختیار خانواده‌ها و فرد مهاجر، بالاترین نقش را به خود اختصاص داده و درآمد خانوار پایین‌ترین جایگاه را دارا است. یکی از نکات بسیار مهم در ارتباط با ابعاد اقتصادی و به خصوص اهمیت پیدا کردن زیرمعیار سرمایه، آن است که اغلب مهاجرین به روستاهای پیرامون شهرها و نه به روستاهای اصلی خود بازگشت داشته‌اند (میرفلاح نصیری و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۰) و در موارد بسیاری، این گروه اقدام به خرید ملک برای ساخت باغ و ویلا نموده‌اند (افراخته و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۲۰-۱۰۱). اولویت پیدا کردن وام و پس‌انداز نیز تا حد زیادی این فرض را تأیید می‌کند.

آخرین معیار مؤثر بر احتمال وقوع مهاجرت بازگشتی، عوامل محیطی مرتبط با دافع‌ها و جاذبه‌های شهری و روستایی بود. با وجود آنکه این عوامل در مطالعات قبلی در قالب‌های متعددی مطرح شده است، اما همیشه از مهم‌ترین عوامل جاذبه‌جایی و مهاجرت‌ها به خصوص در جهان سوم بوده است (آذر و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۹؛ لهسایی‌زاده، ۱۳۶۸: ۶۰؛ برناردشاریه، ۱۳۷۳: ۱۱۶). با وجود آنکه در این معیار حدود ۲۲ زیرمعیار تعریف شده بود، شلوغی و ازدحام که از مهم‌ترین دافع‌های شهری محسوب می‌شود (Nefedova, 2019: 195)، در اولویت اول و حومه‌گرایی که بر جاذبه‌های مناطق

نزدیک به شهر دست به ساخت روستاهای جعلی بزنند، ولی به روستاهای قبلی خود بازنگردند. پدیده شکل‌گیری روستاهای جعلی که از دید وزارت کشور، جهاد کشاورزی و ... پدیده‌ای غیرقانونی و خلاف محسوب می‌شود، در سال‌های اخیر در پیرامون شهرهای بزرگ به‌خصوص تهران، مشهد و ... مطرح شده و در حال توسعه است.

بررسی‌های صورت گرفته توسط گروه تحقیق نشان داد که مطالعه‌ای در این سطح و وسعت، برای احصای عوامل مؤثر بر مهاجرت‌های بازگشتی انجام نشده و اغلب آن‌ها تنها به چند عامل مشخص تأکید نموده‌اند (میرفلاح نصیری و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۰؛ آذر و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۹). به همین جهت، به نظر می‌رسد این بررسی اولین مطالعه‌ای باشد که اقدام به ساخت پرسش‌نامه‌ای معتبر در خصوص عوامل مؤثر بر احتمال وقوع مهاجرت بازگشتی کرده است. شاید دلیل عدم تأیید مدل موردنظر این تحقیق تعداد نمونه و روش اتخاذ آن (به دلیل محدودیت‌های مادی بررسی) باشد. به همین دلیل، پیشنهاد می‌شود، این تنگناها رفع شده و در مطالعات آتی مدل تأیید اعتبار گردد و با استفاده از آن، دیدگاه مهاجران در مورد عوامل مؤثر بر احتمال وقوع مهاجرت بازگشتی به شکل دقیق‌تری مورد ارزیابی قرار گیرد.

پی‌نوشت

1. Ex-urbanization
2. Displaced-urbanization
3. Anti-urbanization
4. Okali, Okpara & Olawoye
5. Kevin Heanue
6. Wang
7. Deshingkar & Grimm

فهرست منابع

– ابراهیم‌زاده آسمین، حسین؛ اشتری مهرجردی، ابازر؛ اسلامی، ایمان. (۱۳۹۸). مهاجرت معکوس روستایی با تغییر سبک

روستایی تأکید دارد، در آخرین رتبه قرار گرفتند. این امر نشانگر آن است که اصولاً مهاجرت‌های بازگشتی بیش از آنکه به دستیابی به رفاه و آسایش و بهره‌مندی از محیط‌های بکر روستایی مرتبط باشد، با فشارهای اقتصادی، اجتماعی و محیطی در ارتباط است که عرصه را بر حاشیه‌نشینان تنگ کرده است (آذر و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۹).

در این مطالعه، مشخص گردید که اگرچه محیط‌های روستایی در جذب مهاجرین بازگشتی ذی‌نقش بوده‌اند (برناردشاریه، ۱۳۷۳)، اما این شرایط در جهان سوم و به‌خصوص کشور ایران، اولویت چندانی به خود اختصاص نداده و آنچه به‌عنوان نیروی پیشران در این حوزه قلمداد می‌شود، مشکلات شهری است (آذر و همکاران، ۱۳۹۹). این در حالی است که در برخی از کشورها، روش‌های مناسبی برای کارآفرینی در مناطق روستایی به انجام رسیده و همین امر، جذب مهاجران بازگشتی را ممکن ساخته است (Zhu et al., 2022). در این بررسی معلوم شد که اگرچه مهاجران در پرسشگری‌های متداول انگیزه‌های متعالی و هوشمندانه‌ای برای اقدام به مهاجرت اعلام می‌کنند، اما در نهایت آنچه در عمل بر این تصمیم اثرگذار است، رفتار سایر هموعان است. این یافته بیانگر آن است که اعطای وام، تأمین تسهیلات و ... اثر چندانی بر مهاجرت بازگشتی ندارد (عظیمی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۴۰).

مطابق نتایج بررسی حاضر، مهاجرت‌های بازگشتی عمدتاً به روستاهای اصلی صورت نگرفته است. این امر نشانگر آن است که هنوز هم مسائل قومی، قبیله‌ای و نوع نگاه به مقوله مهاجرت به نحوی است که بازگشت به روستاهای اصلی را مشکل و بعضاً غیرممکن می‌سازد. به‌طوری‌که مشاهدات میدانی نشان می‌دهد که حتی برخی از این حاشیه‌نشینان حاضرند در مناطق

- زندگی شهری. نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال اول، شماره ۱: ۱۸۶-۱۶۹.
- آذر، علی؛ محبوبی، قربان؛ صلاحی رنجبری، مهسا. (۱۳۹۹). بررسی عوامل مؤثر بر مهاجرت معکوس از کلان‌شهر تبریز به نواحی پیرا-شهری، نشریه علمی جغرافیا و برنامه‌ریزی، شماره ۱۴: ۲۹-۴۲.
- افراخته، حسین؛ عزیزپور، فرهاد؛ زمانی، محدثه. (۱۳۹۴). پیوندهای کلان‌شهری و تحولات کالبدی-فضایی روستاهای پیرامون، مطالعه موردی: دهستان محمدآباد کرج، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۵۰: ۱۲۰-۱۰۱.
- برناردشاریه، ژان. (۱۳۷۳). شهرها و روستاها، ترجمه سیروس سهامی، نشر نیکا، مشهد.
- پایدار، ابوذر. (۱۳۹۸). تحلیل جغرافیایی محرک‌های مهاجرت بازگشتی در روستاهای پیرامون شهر زاهدان، جغرافیای اجتماعی شهری، سال ۶، شماره ۲: ۳۸-۱۹.
- شهرداری مشهد. (۱۳۹۹). گزارش الحاق روستاهای جدید، شهرداری مشهد، مشهد.
- صابری‌فر، رستم. (۱۴۰۱). بررسی عوامل اثرگذار بر مشارکت مردم در بازآفرینی بافت‌های فرسوده شهری، موردپژوهش: شهر مشهد، بوم‌شناسی شهری، سال سوم، شماره ۲۸: ۹۷-۱۱۴.
- صابری‌فر، رستم. (۱۳۹۹). رابطه فرهنگ سازمانی در شهرداری و توانمندسازی ساکنین سکونتگاه‌های غیررسمی شهر مشهد، برنامه‌ریزی شهری، شماره ۴۱: ۵۲-۳۷.
- عرفانی، مریم. (۱۳۹۹). بررسی عوامل اثرگذاری بر بازگشت حاشیه‌نشینان به زادگاه اصلی‌شان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا، دانشگاه پیام نور، تهران.
- عظیمی، نورالدین؛ زالی، نادر؛ فاروقی، محمدرضا. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر وام مسکن روستایی در کیفیت ساخت‌وسازهای جدید مسکونی، مطالعه موردی، شهرستان شفت، پژوهش برنامه‌ریزی فضایی، شماره ۱۲: ۱۴۲-۱۲۷.
- قاسمی‌اردبایی، علی. (۱۳۸۵). بررسی علل مهاجرت روستائیان به شهرها در ایران با فرا تحلیل، پایان‌نامه‌های تحصیلی مقطع زمانی ۱۳۸۳-۱۳۵۹، روستا و توسعه، دوره اول، شماره ۱: ۸۰-۵۱.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۸). تجدد و تشخیص، ترجمه ناصر موفقیان، انتشارات نی، تهران.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۲). جهان رهشده، ترجمه علی‌اصغر سعیدی، نشر نیکان، مشهد.
- لهستانی‌زاده، عبدالعلی. (۱۳۶۸). نظریات مهاجرت، انتشارات نوید، شیراز.
- میرفلاح نصیری، نعمت‌اله؛ دل عظیمی، فریده؛ صباغی، شهلا. (۱۳۹۵). آیا مهاجرت معکوس در حال تحقق است؟ دوماهنامه آمار، شماره ۴: ۲۰-۱۴.
- وبلن، تورستن. (۱۳۸۳). نظریه طبقه تن‌آسا، ترجمه فرهنگ ارشاد، نشر نی، تهران.
- Dell'Anno, R. (2007). The shadow economy in Portugal: An analysis with the MIMIC approach, Journal of Applied Economics, 10(2): 253-77.
- Deshingkar, P., Grimm, S. (2005). Internal migration and development: a global perspective, IOM (International Organization for Migration); Overseas Development Institute, Internal Migration, 1(19): 11-17.
- Heanue, K. (2021). A Strategic Approach to Rural Repopulation Based on the Knowledge Gained from the ADM Pilot Rural Resettlement Programme, Area Development Management, Ireland, Dublin.
- Nefedova, T.G. (2019). Urbanization, Counterurbanization, and Rural-Urban Communities Facing Growing Horizontal Mobility, Sociological Research, 55(3): 195-210.
- Okali, D., Okpara, E., Olawoye, J. (2001). Rural-urban interactions and livelihood strategies series: the case of Aba and its region, Southeastern Nigeria, Working paper 4, International Institute for Environment and Development (IIED), Human Settlements Programme, England, London.
- Todaro, P. M. (1976). Internal Migration in Developing Countries, International Labor Office, Switzerland, Geneva.
- Todaro, P. M. (1997). Urbanization, Unemployment and Migration in Africa: Theory and Policy, Policy Research Division Working Paper, Population Council, USA, New York.
- Wang, W. (2004). Urban-rural return labor migration in China: a case study of Sichuan and Anhui provinces, Department of Geography UCLA, China, Beijing.
- Xu, J., Takahashi, M. (2021). Urban Marginalization and the Declining Capacity for Disaster Risks in Contemporary China, Soc. Sci., 10 (11): 424-433.
- Zhu, L., Yang, C., Zhang, Y., Xue, Y. (2022). Using Marginal Land Resources to Solve the Shortage of Rural Entrepreneurial Land in China, Land, 11(7): 10-35.

DOI: 10.22034/42.182.95